

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی  
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۰، شماره اول، بهار ۱۳۹۷  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۲۳  
صص ۶۴-۴۳

## بررسی عوامل مؤثر بر منازعات بین‌قومی لک و لر در شهر خرم‌آباد

مهناز فرهمند، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، ایران \*

کبری نجفی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، ایران

### چکیده

نزاع قومی یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی شهر خرم‌آباد محسوب می‌شود؛ به همین دلیل هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر منازعات بین‌قومی لک و لر در مردان این شهر است. روش کار از نوع پیمایش است و جامعه آماری مردان ۲۰-۵۵ ساله شهر خرم‌آباد هستند که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر به صورت نمونه برای هردو قومیت لک و لر مشخص شده است. در تدوین چارچوب نظری از آراء جامعه‌شناختی گر، هکتر، آگنیو و پیتر بلا استفاده شده است و حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم pps انتخاب شده‌اند. همچنین، میزان پایایی متغیرهای تحقیق با بیش از ۰/۷ از طریق آلفای کرونباخ سنجیده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین نزاع قومی به صورت متغیر وابسته و سن، قومیت، فرهنگ شهروندی، قانون‌گرایی، احساس محرومیت نسبی، اختلافات خانوادگی و انسجام اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد؛ درحالی‌که بین ویژگی‌های فردی وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، تحصیلات، میزان درآمد و نزاع قومی رابطه‌ای معنادار مشاهده نشده است. همچنین، براساس نتایج آزمون تی مستقل، میزان نزاع قوم لک بیشتر از قوم لر است. مطابق نتایج تحلیل چندمتغیره نیز متغیرهای قانون‌گرایی، احساس محرومیت نسبی، فرهنگ شهروندی، اختلافات خانوادگی و قومیت ۰/۳۹۸ درصد از تغییرات متغیر نزاع بین‌قومی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: نزاع قومی، فرهنگ شهروندی، محرومیت نسبی، اختلافات خانوادگی، قوم لک و لر.

## مقدمه و بیان مسأله

ستیزه جویی و نزاع یکی از ناگوارترین مسائل جامعه انسانی است که قدمتی به طول عمر بشر دارد. این معضل با رشد فرهنگی و اقتصادی جوامع انسانی از بین نرفته و حتی در هر دوره، با شیوه‌های مدرن‌تر رخ داده است (رضایی میبیدی، ۱۳۸۲: ۵۲).

پدیده نزاع و درگیری از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد و این امر، با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌کند. کشور ما بافت جمعیتی چند قومیتی دارد؛ بنابراین، این موضوع در آن به شکل پدیده‌ای مسئله‌ساز ظاهر می‌شود. نزاع‌های قومی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود هستند و گرایش و پایبندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. همچنین، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هم‌وطنان، شاخص قدرت یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۲). نزاع قومی<sup>۱</sup> چنین تعریف می‌شود: رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه جویانه که توأم باخشم، کینه و انتقام است و به قتل، ضرب و شتم و معلول شدن طرف‌های درگیر منجر می‌شود و خسارات مالی فراوانی نیز به بار می‌آورد. می‌یر<sup>۲</sup>، نزاع را کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت می‌داند که حداقل بین دو نفر رخ می‌دهد (افشانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۱). در تعبیری دیگر، نزاع قومی نوعی درگیری است که حداقل سه نفر در آن شرکت دارند و معمولاً با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌طور محدود و گسترده و به صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه، بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد و با خسارت مالی و معنوی همراه است (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶).

نزاع قومی به شکل پدیده‌ای نامطلوب، اذهان صاحب‌نظران و افکار عمومی را به خود مشغول کرده است و این مسئله از ابعاد مختلف جوامع متأثر شده و حتی بر آنها تأثیر گذاشته است. این امر، به‌ویژه در مناطق طایفه‌ای و قبیله‌ای به‌صورت جدی‌تری مطرح است. از نظر جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان، نزاع قومی در مطالعه و تحقیق و اقدام اجتماعی اهمیت و اولویت دارد. ایران کشوری چندقومی است و تاریخ سیاسی آن، در مقاطع مختلف با نقش فعال قومیت‌ها، تضادها و تحولات اجتماعی گره خورده است. عناصر و مؤلفه‌های متفاوتی بین اقوام کشور و دولت مرکزی پیوند یا گسست ایجاد کرده و تعدد و تنوع اقوام و احساس قومی در میان طیف وسیعی از جمعیت، کتمان‌ناپذیر است. این موضوع به‌جز مزیت‌هایی که دارد، خطری جدی نیز برای کشور محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که در بسیاری از جوامع روستایی، عشایری و شهری با توجه به ارزش‌ها و مدل‌های خاص فرهنگی حاکم بر آنها با انگیزه‌ها و فرم‌های مختلف، درگیری و اختلافات را افزایش داده است و هم‌اکنون نیز در بین جمعیت‌هایی که از نظر قومی، طایفه‌ای و فرهنگی ویژگی‌های منحصربه‌فرد دارند، به‌نوعی به چشم می‌خورد (سجادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲).

نزاع‌های قومی معمولاً در مناطقی با ساختار اجتماعی و قومی و قبیله‌ای و همراه با روحیه همکاری زیاد در بین افراد رخ می‌دهد. این امر، با ایجاد اتحاد بین یک قوم، ارزش و اعتبار قوم یا قبیله دیگر را افزایش می‌دهد؛ اما با از دست رفتن انسجام فرهنگی و اجتماعی وضعیت درگیری‌های بین‌قومی را تشدید می‌کند که این موضوع با رشد فرهنگی و اقتصادی جوامع انسانی از بین نمی‌رود و در هر دوره، با شیوه‌های مدرن‌تر رخ می‌دهد (رضایی میبیدی، ۱۳۸۲: ۵۲).

در کشورهای جهان سوم، از جمله عوامل مهم تعارضات اجتماعی و سیاسی شکاف‌ها و تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی هستند. درگیری‌ها و ستیزه‌های قومی در بسترها و وضعیت‌های گوناگونی شکل می‌گیرند و انواع متفاوتی دارند. بی‌گمان باید قومیت را از جنبه‌های مختلف، یکی از

<sup>۱</sup> Ethnic conflict.

<sup>۲</sup> Meier

امکان مذاکره، درنهایت، به درگیری و خشونت ختم می‌شوند (نیکدل و پیراسته‌مطلق، ۱۳۹۴: ۱۸).

در تاریخ ایران همانند بسیاری از جوامع دیگر، این مسائل زمینه‌ساز بروز نزاع‌ها و درگیری‌های قومی بوده‌اند: تنوع معیشتی، فرهنگی، شدت ارتباطات درون‌گروهی، کم بودن ارتباطات برون‌گروهی، احساس محرومیت، نابرابری‌ها، تعصبات قومی و طایفه‌ای، تمسخر و توهین به عقاید دیگران، ناآشنایی با قانون و حاکم نبودن آن، گرایش و پایبندی کمتر به قانون، تمایل افراد به پرخاشگری، اختلافات خانوادگی و... درحقیقت، نزاع قومی در هر جامعه همیشه به صورت یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده و این مسئله درگذشته و امروز، منشأ خسارات مالی و جانی فراوان و مانع توسعه اجتماعی و اقتصادی در مقیاس کشور و استان شده است (رضایی کلواری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۳۸).

آمارهای موجود نشان می‌دهند در کشور ایران وضع استان‌های قومی کشور بهبود نیافته است؛ بلکه میان عقب‌افتادگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این استان‌ها با دیگر استان‌های کشور، رابطه و همبستگی معناداری مشاهده می‌شود (Buzan, 1988:20). به باور صاحب‌نظران متعدد، عواملی چون تشدید شکاف‌ها و گسست میان هویت‌های قومی و هویت ملی، تشکیل حوزه‌های فرهنگی قومی و مذهبی در مناطق مرزی با عقبه‌های برون‌مرزی و خارج از نظارت و کنترل نظام و تقویت و تشدید فاصله اجتماعی میان اقوام و خرده‌فرهنگ‌های قومی با نظام اجتماعی به پیدایش بیگانگی اجتماعی، احساس بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌ها، قدرت، ثروت و منزلت و رشد نارضایتی‌های قومی منجر شده است و ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی از جمله خصومت‌های قومی را به وجود می‌آورد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸ الف: ۵۶۶).

در عصر کنونی مؤلفه دیگر در زمینه تشدید تضادها و درگیری‌های قومی محلی نبودن نظام شهروندی برابرطلب و ایجاد اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسب برای قطبی‌کردن جامعه است که این امر همچنین، به محرومیت

برجسته‌ترین مسائل جهان در اواخر سده بیستم و یکم به شمار آورد. منابع آماری مختلف نشان می‌دهند بیش از ۸۰ درصد کشورهای عضو سازمان ملل متحد، تنوع و تکرر قومی دارند و بیش از دو یا چند اجتماع قومی را در بر می‌گیرند. این جوامع همواره به صورت مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار، برای این امور با یکدیگر رقابت می‌کنند: سیطره‌یافتن، کسب استقلال و خودمختاری یا ادغام در جامعه برای دستیابی به موقعیت بهتر (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از اقوام، شاخص قدرت یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

در ادوار گذشته ایران، تلاش‌های مختلفی برای پیشرفت‌ها و رفع محرومیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در کشور انجام شده است؛ اما مسائل قومی همچنان ملموس و محسوس هستند و این موضوع، ضرورت ریشه‌یابی و تحلیل واقع‌بینانه و علمی این پدیده را نشان می‌دهد (نیکدل و پیراسته‌مطلق، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

طبق اظهار وزارت کشور، در سال ۱۳۸۳ میانگین فراوانی نزاع در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ برای کل کشور ۱۱/۸ مورد به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر بوده است (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۹). آمار نزاع و درگیری در تمام کشور وجود دارد؛ زیرا طبق تعداد مراجعان نزاع به پزشکی قانونی در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بیشترین تعداد مراجعات نزاع با رقم ۲۲۹ هزار و ۳۶ نفر در سال ۱۳۸۹ و کمترین آن با رقم ۵۴۷ هزار و ۵۲۱ در سال ۱۳۸۶ ثبت شده است. این آمارها همچنین، نشان می‌دهد در طی این نزاع‌ها در مجموع، ۱۵۳ هزار و ۲۲۶ زن و ۳۷۳ هزار و ۶۷۶ مرد درگیر بوده‌اند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۲).

نزاع‌های قومی به صورت مسئله‌ای اجتماعی علت بروز برخی مسائل اجتماعی دیگر است و خود نیز معلول برخی وضعیت‌ها و پدیده‌هایی است که ریشه در ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد (میرفردی و صادق‌نیا، ۱۳۹۱: ۴۲). درحقیقت، خواست‌های قومیت‌ها همیشه از راه گفتگو حل نمی‌شوند و به صلح نمی‌انجامند؛ بلکه به دلیل نبودن

کار رفته است. قوم لر با سلسله‌های مختلف ایرانی همزیستی و تعارض فراوانی داشته و گاه در کنار سلسله‌های حاکم قرار گرفته و زمانی با آنها درگیر بوده است (الهیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). پیوند گویش اقوام لر با زبان رسمی بسیار ناگسستنی است و لری و فارسی بیشتر در ساخت آوایی تفاوت دارند و در ساخت‌های صرفی و نحوی تفاوت‌هایشان ناچیز است. حضور تاریخی و دخالت لرها در سرنوشت سیاسی کشور و نیز هم‌مرز شدن با عرب‌ها همگی باعث شده‌اند که به جای اندیشه قوم‌مداری در میان آنها ایران‌گردی رواج یابد (دالوند، ۱۳۸۱: ۱۵۴). عیب ساختار قبیله‌ای خرم‌آباد، نزاع‌های قبیله‌ای ناشی از تعصب قومی است و این موضوع در بعضی مواقع اختلاف‌های شدیدی ایجاد می‌کند که گسترش شهرنشینی و رشد سرمایه‌داری و فرهنگ ایلی و طایفه‌ای را کم‌رنگ کرده است؛ باوجود این، آمار فرهنگی گذشته به‌طور بارزی محسوس هستند (پورامرابی، ۱۳۸۲: ۴۵). باتوجه به این مطالب، توصیف و تبیین علل و عوامل مؤثر بر نزاع‌ها و درگیری‌های قومی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد و از نظر علمی نیز این مسئله قابل درک و قانونمند محسوب می‌شود؛ بنابراین، سؤال اساسی تحقیق حاضر این است که چه عواملی در نزاع بین قومی لک و لر در شهر خرم‌آباد تأثیرگذار هستند.

#### پیشینه تحقیق

ویدمن<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «شبکه‌های ارتباطی و گسترش بین‌المللی تضادهای قومی» تئوری اشاعه را در زمینه گسترش درگیری‌ها و نزاع‌ها بررسی کرده است. از نظر او اطلاعات و اشاعه اطلاعات درباره خشونت‌های رایج، به یادگیری و تأثیر استراتژیک این موضوع در کنشگران محلی منجر می‌شود و خشونت را در فعالان افزایش می‌دهد. در این پژوهش با به کار بردن نظریه اطلاعات نشان داده شده است که وقوع نزاع‌های قومی به‌طور چشمگیری احتمال خشونت‌های

نسبی افراد و گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود. در جوامع چندقومی مهم‌ترین بستر نارضایتی تنش، بحران و منازعه است که این مسئله، پیوند اجتماعی را تضعیف و در جامعه معاصر، قوام شهروندی را به‌صورت نیروی هم‌گرا با چالش روبه‌رو می‌کند (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۸).

شهر خرم‌آباد بافت جمعیتی چندقومیتی و طایفه‌ای دارد و به همین دلیل، پدیده مسئله ساز نزاع و درگیری قومی در این شهر، به شدت از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای تأثیر پذیرفته است و این طوایف آشکارا گرایش و پایبندی کمتری به قانون دارند؛ به طوری که متأسفانه خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی هستند که در فرهنگ طایفه‌ای این استان، شاخص قدرت یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شوند. اقوام لک و لر از جمله اقوام ایرانی و بیشتر شیعه مذهب هستند که در درون مرزهای سیاسی ایران جای گرفته‌اند و بخش چشمگیری از پیشینه فرهنگی و تاریخی ایران را پدید آورده‌اند؛ به طوری که به‌صورت یکی از کهن‌ترین قوم‌های ایرانی در ساختن تاریخ این سرزمین همواره کارآمد بوده‌اند (دالوند، ۱۳۸۱: ۱۵۲). لک‌ها قومی ایرانی - اسلامی هستند که از نظر پراکندگی جغرافیایی در شمال غربی و غرب استان لرستان، شمال شرقی و شرق استان کرمانشاه، شمال استان ایلام و جنوب استان همدان قرار دارند. زبان این قوم «لکی» است و در دسته‌بندی زبان‌های ایرانی جزو زبان‌های شمال غربی محسوب می‌شود و از لحاظ مذهب نیز آنها به دو گروه عمده شیعه و اهل حق تقسیم می‌شوند (توسلی و قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۸۳ - ۸۲).

لرها هم از جمله اقوام کهن ایرانی هستند که از قدیم در غرب ایران، در دامنه‌های زاگرس در استان‌های کنونی لرستان، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و قسمتی از اصفهان سکونت داشته‌اند. در سرزمین کنونی لرستان اقوامی مانند کاسی‌ها، ایلامی‌ها و آریایی‌ها ساکن شده‌اند. واژه لر به شکل یک گروه قومی نخستین‌بار در نوشته‌های برخی از مورخان و جغرافی‌نویسان قرن چهارم هجری و بعد از آن به

<sup>1</sup> Weidmann

۲) درگیری‌های قومی با کشتن و حذف تمام اعضای قوم یک‌بار برای همیشه از بین نمی‌رود و همچنین، فشار اجباری را کاهش نمی‌دهد، به‌عنوان مثال، با افزایش نسبت مجردها هویت مدنی نیز افزایش نمی‌یابد.

۳) با ارتقاء هویت مدنی متوسط فراوانی درگیری‌ها به مقدار کم، به‌طور دوره‌ای و مداوم باقی می‌ماند.

بیلالی<sup>۴</sup> و همکاران (2014) «مراحل مختلف درگیری (کمترین و بیشترین شدت نزاع) را با توجه به ضدیت روانی نگرش‌های بین گروهی» بررسی کرده‌اند. در این پژوهش در همسایگی شهر از میر ترکیه، نمونه‌ای برای بررسی انتخاب شده که نتایج آن به اندازه‌گیری مراحل مختلف خشونت و درگیری در جوامع ترک و کرد منتهی شده است. اقوام ترک و کرد به‌طور متفاوتی همدیگر را قضاوت می‌کنند: اقوام ترک، کردها را به‌صورت افرادی سرکش می‌شناسند؛ درحالی‌که اقوام کرد ترک‌ها را بربر می‌دانند. همچنین، بیشتر اوقات تصاویر بین گروهی ترک‌ها تغییر نمی‌کند؛ اما تصاویر کردها از ترک‌ها متغیر است. با استفاده از پژوهش‌ها و اکتشاف‌های بیشتر، درگیری و خشونت اقلیت و اکثریت‌های قومی در مقیاس ملی تفسیر می‌شود.

میترا و ری<sup>۵</sup> (2014) در مقاله‌ای با عنوان «متضادبودن مفاهیم تئوری اقتصادی درباره خشونت مسلمان - هندو در هند» قصد داشته‌اند خشونت‌های بین گروهی را در وضعیت تغییرات اقتصادی تبیین کنند. مبنای نظری پژوهش حاضر، رویکردی نظری با این ادعا است که اگر درآمد گروهی کم باشد، افزایش درآمد گروه‌ها خشونت‌ها را افزایش می‌دهد. از نظر این دو محقق، افزایش سرانه هزینه‌های مسلمانان یا هندوها به افزایش چشمگیر درگیری‌های مذهبی آینده منجر خواهد شد.

نیکدل و پیراسته مطلق (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «خشم، صفت، حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع

بومی را افزایش می‌دهد و این اثر، درارتباط با سرایت فضایی نزاع در مرزهای جغرافیایی عمل می‌کند.

گاتینو و تارتاگلیا<sup>۱</sup> (2015) در پژوهش خود «اثر تماشای تلویزیون در تعصبات قومی علیه مهاجران در بافت (جامعه) ایتالیایی» را ارزیابی کرده‌اند. مطابق نتایج این پژوهش، واقع‌بینی و تنوع، مثبت بودن تعصبات قومی را نشان می‌دهد و تماشای اخبار و امور عمومی با تعصبات قومی ارتباط ندارد. همچنین، فیلم و مجموعه تلویزیونی به‌طور واضح در تعصب قومی تأثیر نداشته‌اند. میزان آموزش عالی با تعصب قومی و تماشای واقعیت و تنوع ارتباط ندارد و اموری چون تماشای اخبار و برنامه‌های امور عمومی، فیلم و مجموعه تلویزیونی با تعصبات قومی ارتباط داشته‌اند.

جی<sup>۲</sup> (2014) در مقاله خود با نام «بحث درباره درگیری‌های قومی در چین و غرب» این نزاع‌ها را بررسی کرده است. وقتی در ماه ژوئیه 2009 درگیری‌های شدید قومی در سین جیانگ چین آغاز شد، رسانه‌های رسمی چین و بیشتر رسانه‌های خبری غرب، درباره بسیاری از حقایق اساسی موافقت کردند؛ اما مفاهیم این واقعیت بحث‌های متضادی را در بر دارد. رسانه‌ها خط حزب چین را در سین جیانگ تأسیس کردند که در گفت‌وگوها به اهداف داخلی و سیاسی خدمت می‌کرد. در مقابل، حساب‌های غربی از گفت‌وگوهای مربوط به خود تصویر و دیدگاه غرب تأثیر پذیرفته‌اند. این مقاله در زمینه درگیری‌ها و آشوب‌های عمومی چین و غرب بحث خواهد کرد و در واقع، قصد دارد این رابطه را فراتر از دیدگاه‌های سیاسی و نخبگان رسانه‌ای بررسی کند.

کوئین<sup>۳</sup> و همکاران (2014) در پژوهش خود برخی از نتایج درگیری‌های قومی را براساس شبیه‌سازی تکامل بازی ارزیابی کرده‌اند. نتایج این شبیه‌سازی نشان می‌دهد:

۱) نسبت افراد با هویت مدنی با فراوانی درگیری‌های قومی ارتباط ندارد.

<sup>1</sup> Gattino & Tartaglia

<sup>2</sup> Ji

<sup>3</sup> Qin

<sup>4</sup> Bilali

<sup>5</sup> Mitra & Ray

میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) مقاله‌ای با هدف «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد» تدوین کرده‌اند که روش پژوهش آنها اسنادی و روش تحلیل محتوا کمی است. اطلاعات این گونه‌شناسی با ابزار پرسش‌نامه معکوس و از بررسی ۵۲ پرونده نزاع جمعی و متن بازجویی‌های ۴۱۷ نفر از شرکت‌کنندگان در نزاع جمعی استخراج شده است. طبق نتایج این پژوهش جوانان، مردان، مجردها، روستائیان و افراد با پایگاه اقتصادی ضعیف، به میزان بسیار زیادی در نزاع‌های دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند. درارتباط با زمینه‌های بروز درگیری بین گروه‌ها مسائل ملکی - زراعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آن نیز شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی، مسائل مالی، اختلافات قدیمی، ناموسی، خانوادگی و... در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز)» این عوامل را ارزیابی کرده‌اند. اطلاعات پژوهش با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه از نمونه‌ای به حجم ۳۸۴ نفر به دست آمده است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بزرگتر از ۱۵ ساله شهرستان اهواز بوده است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. براساس نتایج آزمون، از مجموع ۸ فرضیه، متغیر سن با گرایش به نزاع جمعی به‌طور معناداری رابطه نداشت؛ اما بین سایر فرضیه‌ها با این موضوع رابطه معناداری وجود داشته است. از مجموع متغیرهای مستقل، متغیر تعلق به جامعه قبیله‌ای بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است و همچنین، براساس تحلیل چندمتغیره، به‌طورکلی متغیرهای مستقل ۴۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

پژوهش‌های ارائه‌شده در زمینه نزاع به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: پژوهش‌هایی که به‌صورت اسنادی (محدود) و مطالعاتی که با روش کمی انجام شده‌اند. عوامل مؤثر بر نزاع، نقطه مشترک بسیاری از این پژوهش‌ها است؛ با وجود این، در آنها تنوعی دیده نمی‌شود. شاید دلیل این امر این است که برای

دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد» انجام داده‌اند و روش آنها غیرآزمایشی و از نوع همبستگی بوده است. در این مطالعه از جامعه ۴۵ ساله این استان، ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. مطابق نتایج رگرسیون گام به گام، متغیر خشم حالت، کنترل خشم درونی و خشم صفت به ترتیب بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های گرایش به نزاع دسته‌جمعی بوده‌اند. خشم حالت و شیوه‌های کنترل درونی یا بیرونی خشم، گرایش افراد را به نزاع دسته‌جمعی پیش‌بینی می‌کنند.

هدف افشانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش «بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد» بررسی نزاع در بین شهروندان بوده است. روش انجام پژوهش، پیمایش و جامعه آماری، شهروندان ۱۸ تا ۶۰ ساله ساکن شهر یزد است که ۳۲۴ نفر به صورت نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل (سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی) و ابعاد نزاع رابطه معناداری وجود دارد و افراد با تحصیلات کمتر، به نزاع بیشتر تمایل دارند و افراد متأهل و افراد مجرد، از نظر میزان گرایش و تمایل به نزاع، به‌طور معناداری تفاوت داشته‌اند. براساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، درمجموع متغیرهای مستقل ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

واحدی و همکاران (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان (مطالعه موردی شهر خوی)» نوشته‌اند. پژوهش آنها از لحاظ ماهیت پیمایشی و با استفاده از روش پرسش‌نامه بوده و به همین دلیل، تعداد نمونه براساس فرمول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان ۹۲۷ نفر برآورد و توزیع شده است. باتوجه به یافته‌های این پژوهش پنج فرضیه سن، احساس آنومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی تأیید و دو فرضیه پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی رد شده است.

می‌شوند. «تبعیض سیاسی» گروه وقتی رخ می‌دهد که اعضای آن در اعمال حقوق سیاسی خویش یا دسترسی به منصب‌های اداری و سیاسی در مقایسه با دیگر گروه‌های جامعه، به صورت نظام‌مند با محدودیت روبه‌رو شده باشند. «تبعیض فرهنگی» زمانی است که اعضای گروه در پیگیری علایق فرهنگی یا ابزار و اجرای رسوم و ارزش‌های فرهنگی خویش محدود شده باشند (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵).

گر عامل بروز منازعات قومی را رفتار تبعیض‌آمیز گروهی قومی با گروه قومی دیگر می‌داند. براساس این نظریه، مناقشه قومی زمانی افزایش می‌یابد که گروه‌های قومی احساس کنند پاداشی کمتر از حق خود دریافت می‌کنند. در چنین وضعیتی گروه‌های سرخورده برای تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت، ممکن است به پرخاشگری و خشونت سیاسی روی بیاورند. نکته مهم در این نظریه این است که نه وضعیت مادی یا محرومیت مطلق، بلکه واکنش ذهنی یا روانی در مقابل موقعیت عنصری تعیین‌کننده محسوب می‌شود (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۰). به عقیده گر محرومیت نسبی به صورت برداشت بازیگران از وجود اختلاف بین توقع‌های ارزشی<sup>۲</sup> و قابلیت‌های ارزشی<sup>۳</sup> ظاهری محیط انسان تعریف می‌شود و توقع‌های ارزشی کالاها و وضعیتی هستند که بنا بر تصور مردم، عملاً توانایی کسب و حفظ آن کالاها و موقعیت‌ها را دارند. قابلیت‌های ارزشی به مسئله‌ای مربوط است که عمدتاً در محیط اجتماعی و فیزیکی یافت می‌شود. این مسئله در وضعیتی رخ می‌دهد که در آن مردم تصور می‌کنند در زمینه کسب یا حفظ ارزش‌ها فرصت دارند و با شیوه‌های قانونی توقع دارند این ارزش‌ها را به دست آورند (کوهن، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

هرقدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند فرهنگ و زبان و ارزش‌هایی در معرض خطر تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می‌شود که در

بررسی و تبیین برخی مسائل اجتماعی از جمله پدیده نزاع، به اطلاعات موجود درباره این پدیده و وضعیت متغیرهای مؤثر بر آن نیاز داریم که متأسفانه چنین اطلاعاتی در دسترس نیست. یک دلیل مهم درباره این مسئله خاص، همکاری نکردن نهادهای قضائی، انتظامی و حقوقی با پژوهشگران است (تجربه تحقیق حاضر) بنابراین، بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه، با روش پیمایش از چشم‌انداز فردی انجام شده‌اند و در این خصوص، تجارب زیسته کم‌رنگ دیده می‌شوند. در ضمن، براساس پیشینه تحقیقات در زمینه نزاع و درگیری مطالعه‌ای مستقل و همه‌جانبه درباره پدیده نزاع در دسترس نیست و بیشتر مطالعات به طور جزیره‌ای انجام شده است؛ بنابراین، این پژوهش‌ها سطحی هستند و نتایج عمیق و همه‌جانبه و گسترده‌ای نداشته‌اند.

### مبانی نظری

وجود نظریات متعدد در زمینه نزاع‌های قومی بیانگر این است که نظریه و حتی مکتبی وجود ندارد که در این خصوص درباره آن توافقی همگانی شده باشد و تقریباً هیچ‌کدام از نظریه پردازان، این موضوع را به صورت جامع تحلیل نکرده‌اند و هرکدام جنبه‌های خاصی از آن را بررسی کرده‌اند و (زیست‌شناختی، روان‌شناختی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناختی) از زوایای متنوعی به این مسئله نگریسته‌اند. در پژوهش حاضر، با توجه به کثرت پژوهش‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر نزاع قومی صرفاً بر علل جامعه‌شناختی تأکید شده است.

رویکرد روان‌شناختی - فردگرایانه «تد رابرت گر»<sup>۱</sup> برای تبیین درگیری و نزاع‌ها احساس تبعیض را به صورت یکی از نمودهای محرومیت نسبی برا آغاز کار در نظر می‌گیرد. او سه نوع تبعیض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را از هم تمیز می‌دهد. «تبعیض اقتصادی» زمانی است که اعضای گروه قومی به صورت نظام‌مند در دسترسی به کالاها، وضعیت یا جایگاه‌های مطلوب اقتصادی در دسترس دیگران، محدود

<sup>2</sup> Value expectations

<sup>3</sup> Value capabilities

<sup>1</sup> Ted Robert Gurr

از دیدگاه هکتر، نوسازی و توسعه اقتصادی در کشورهای که تنوع قومی دارند، به جریانی به نام «تقسیم کار فرهنگی» منجر می‌شود. این تقسیم کار، فرهنگی مبتنی بر الگویی از تبعیض ساختاری است که در آن، افراد براساس ویژگی‌ها یا مشخصه‌های فرهنگی قابل مشاهده، به انواع اشتغال و نقش‌های اجتماعی گماشته می‌شوند. این تعامل موجب می‌شود ساختاری اجتماعی و مبتنی بر «حاکم - محکوم» یا «مسلط - زیر سلطه» ایجاد شود. در این میان، در بیشتر موارد، حکومت مرکزی مسئول دانسته می‌شود و به همین دلیل، واکنش مناطق محروم نسبت به بهره‌مند دشمنانه خواهد بود. در چنین موقعیتی وجود تنازعات قومی به صورت عکس‌العملی در مقابل این استعمار، مبنایی برای شکل‌گیری همبستگی یا منازعه قومی است. درحقیقت، با تقسیم کار فرهنگی، مرزهای قومی تمایل پیدا می‌کنند که به خطوط تمایزات ساختاری بپیوندند؛ در نتیجه، همبستگی‌های قومی افزایش می‌یابند. به عبارتی افزایش نابرابری‌های اقتصادی میان گروه‌ها احتمال همبستگی و ستیزهای قومی را افزایش می‌دهد (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۴).

دیدگاه مبادله با طرح مفاهیم تبادل، رفتارهای اجتماعی را به شکل تبادل دوطرفه بین افراد تلقی می‌کند و به تبیین این موضوع روی آورده است. مطابق باور جودیت و پیتربلا براساس این رویکرد، افراد متعلق به طبقات پایین، زمانی که وضعیت زندگی خود را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، به احساس محرومیت و ناخرسندی دچار می‌شوند. در این افراد، طبقه اقتصادی و نژادی به بی‌عدالتی و ناخرسندی منجر می‌شود؛ بنابراین، آنها محرومیت را احساس می‌کنند. در جامعه‌ای که نابرابری وجود دارد، به وسیله ابزارهای قانونی موقعیت‌های پیشرفت افراد گرفته می‌شود و آنها احساس می‌کنند که کم‌کم به جامعه بی‌اعتماد می‌شوند. ناکامی مستمر به دلیل این دسته از احساسات، از بی‌لیاقتی ناشی می‌شود که این امر، پرخاشگری و خصومت سرکوب‌شده را ایجاد می‌کند و در نهایت، به جرم و خشونت می‌انجامد (واحدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷).

حالت افراطی این مسئله به صورت قوم‌مداری متجلی می‌شود و به خشونت می‌گراید (قلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵-۴).

در مکتب تضاد، خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی اجتماعی بررسی می‌شوند. گوبوگلو<sup>۱</sup> در این مکتب، براساس نظریه تبعیضات قومی بیشترین توجه خود را به عناصر و عوامل قومی با دسته‌بندی اجتماعی، تقسیمات کاری و طبقه‌بندی اجتماعی معطوف کرده است (صالحی امیری، ۱۳۸۸ ب: ۲۴۴). این دیدگاه، پدیده غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی به دست گروه قومی مسلط و همچنین، تأثیر تبعیض اجتماعی براساس ویژگی‌های قومی و نژادی را به شکل عامل اصلی در نظر می‌گیرد و مطابق باور آن، این تفاوت‌های اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین‌قومی و درگیری‌های آشکار قومی ایجاد می‌کنند (مصطفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

مکتب کنش متقابل نمادین، پدیده‌های اجتماعی را در متن مناسبات اجتماعی بررسی می‌کند. هکتر<sup>۲</sup> یکی از صاحب‌نظران این مکتب است. او با تأکید بر افزایش تعاملات اجتماعی میان گروه‌های قومی در روند نوسازی و توسعه، بیان می‌کند که افزایش روابط اجتماعی در میان گروه‌های قومی ضرورتاً به ایجاد اتحاد ملی و محو همبستگی‌های قومی نمی‌انجامد؛ بلکه برعکس، ممکن است به تعارضات قومی منجر شود. او بنیان این تعارض را در نابرابری و توزیع ناهمگون منابع میان مناطق مختلف واحدی ملی با تنوع قومی و فرهنگی جستجو می‌کند (همان) به این ترتیب، هکتر تبیین دوام و همبستگی قومی را در جوامع مدرن در درون چارچوب مدل «قومیت - عکس‌العمل» یا «قومیت - عکس‌العملی»<sup>۳</sup> طرح می‌کند. در این دیدگاه، همبستگی و چالش عکس‌العملی است که از جانب گروهی پیرامونی شکل می‌گیرد و این گروه از نظر فرهنگی از استعمار مرکزی جدا است (صالحی امیری، ۱۳۸۸ ب: ۲۴۳).

<sup>۱</sup> Guboglo

<sup>۲</sup> Michael Hechter

<sup>۳</sup> Reactive - Ethnicity



صاحب‌نظران در مکتب کارکردگرائی از ابعاد متنوعی مبحث نزاع اجتماعی را ارزیابی کرده‌اند. به اعتقاد دورکیم، از صاحب‌نظران مشهور این مکتب، نزاع و سایر اشکال کج رفتاری‌ها معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص است. دورکیم، به‌طور ویژه بر روی نزاع تأکید نمی‌کند؛ بلکه آشکارا بر این اصل تأکید دارد که فقدان اجماع درباره ارزش‌های مقرر شده، به محو و غیبت تدریجی آتوریت‌ها و ضابطه اخلاقی منجر می‌شود و جامعه، مدیریت مؤثر و کنترل اجتماعی لازم را بر فرد از دست می‌دهد. ثبات اجتماعی از قواعد اخلاقی و نحوه مدیریت صحیح اجتماعی ناشی می‌شود و منوط به چگونگی اعمال کنترل اخلاقی بر افراد هر جامعه است؛ به این ترتیب، فقدان چنین ضابطه‌کنتری و مدیریت اخلاقی در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله نزاع نقشی اساسی ایفا می‌کند (نظری، ۱۳۸۶: ۹۴). باتوجه به این مطلب، ناهنجاری در وضعیتی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی معیارهایی روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد و پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان، باشخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی می‌شود. به باور دورکیم، علت آشکار تحقق نزاع‌ها نیز تحولات شتابان اقتصادی و مسائل اقتصادی است؛ زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال دارند (نظری و امینی‌فسخودی، ۱۳۸۷: ۱۹۶). در واقع، این قواعد اقتصادی مردم را به رقابت و نفع شخصی و زیاده‌خواهی دعوت می‌کنند و کدهای اخلاقی هم به تدریج، مشروعیت خود را از دست می‌دهند و افراد به اعمالی چون درگیری و نزاع روی می‌آورند (کوثری، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷). رابرت مرتن<sup>۱</sup>، با بسط مفهوم آنومی دورکیم، از آن برای تبیین رفتار انحرافی استفاده کرد و انحراف را نتیجه نبودن تعادل در نظام اجتماعی دانست. مرتن، نابسامانی را به ناهماهنگی بین اهداف تأییدشده اجتماعی و وسایل تأییدشده برای نیل به آنها نسبت می‌دهد. اشتباهی سیری ناپذیر

باطن افراد باید به وسیله کنترل‌های قوی هنجاری محافظت شود و به باور او علت جرم این موضوع نیست؛ بلکه دلیل این امر، تناقضات ساختار اجتماعی - فرهنگی است (قربانی و فیض‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۶).

رابرت آگنیو<sup>۲</sup>، یکی از نظریه‌پردازان، نظریه مرتن را با عنوان فشار ساختاری بسط داد و این نظریه دو مشخصه این دارد: نخست، براساس نظریه فشار بزهکاری هنگامی رخ می‌دهد که افراد آنچه را می‌خواهند، از طریق راه‌های مشروع به دست نمی‌آورند. دومین مشخصه این نظریه، فشاری است که خواسته‌های برآورده نشده (ناکام) برای بزهکاری بر فرد وارد می‌کند. این دو ویژگی در نظریه مرتن، کوهن و کلوآرد و اولین، به وضوح دیده می‌شود. این نظریه‌ها در ابتدا بزهکاری را در میان افراد طبقه پایین جستجو می‌کردند (کوثری، ۱۳۸۲: ۲۳). آگنیو توجه خود را بر روابط منفی با دیگران متمرکز کرده است؛ به طوری که مطابق نظر او این روابط منفی هیجان‌های منفی را در شخص ایجاد می‌کنند و سپس هیجان‌های منفی جرم را به وجود می‌آورند. این نظریه‌ای کلی درباره جرم است که طبق آن، روابطی منفی هستند که در آنها افراد دیگر، شخصی را از رسیدن به یک هدف باارزش باز می‌دارند یا چیز باارزشی را از او می‌ستانند یا چیز ناخوشایند و ناخواسته‌ای را بر شخص تحمیل می‌کنند. براساس نظر آگنیو نظریه‌های پیشین فشار به روابطی توجه کرده‌اند که در قلمرو آنها مردم از رسیدن به هدف‌های باارزششان، همانند موفقیت پولی و جایگاه بازداشته می‌شوند؛ اما آگنیو به روابطی توجه کرده است که در حوزه آنها شخص با وضعیتی ناخوشایند روبه‌رو می‌شود و از آن نمی‌تواند بگریزد. در این نوع روابط با شخص به صورت دلخواه او رفتار نمی‌کنند (ولد، ۱۳۸۰: ۲۳۹-۲۳۸).

از همین منظر، هانتینگتون<sup>۳</sup> نیز به نقش محقق نشدن انسجام در کاهش روحیه عام‌گرایی و احساس تعلق به جامعه و رشد خاص‌گرایی در نظام‌های شخصیتی افراد اشاره کرده است. به

<sup>2</sup> Robert

<sup>3</sup> Huntington

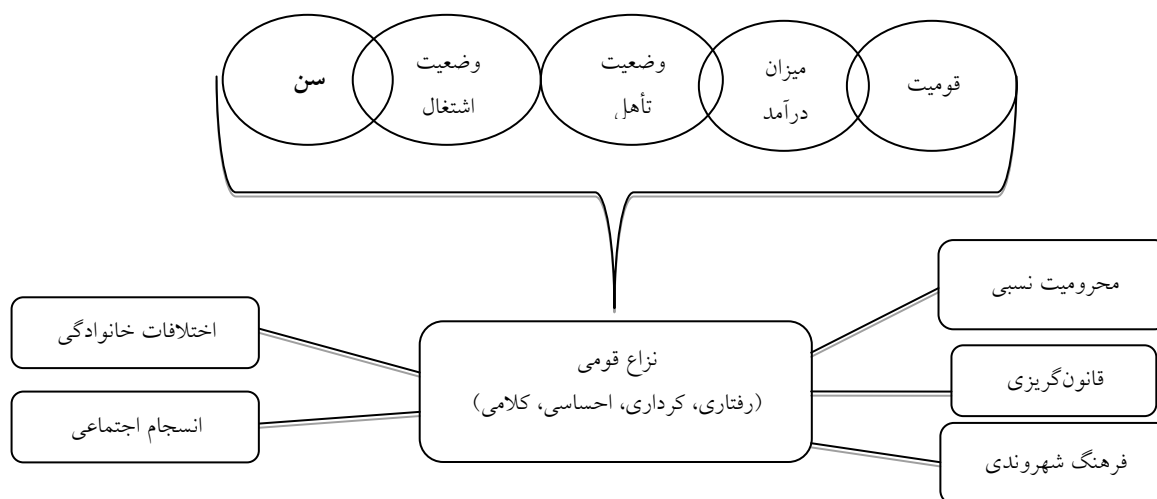
<sup>1</sup> Merton

فرهنگ شهروندی، قانون‌گرایی، انسجام اجتماعی و... استفاده شده است که در آنها این معضل را بررسی کرده‌اند. نظریه‌های محرومیت نسبی گر، گوبوگلو، جودیت و پیتربلا اساس نزاع‌های قومی را در نابرابری و توزیع ناهمگون منابع میان مناطق مختلف واحدی ملی با تنوع قومی و فرهنگی جستجو می‌کنند. براساس نظریه صاحب‌نظرانی چون دورکیم، مرتن و آگنیو هنگامی که عامل فرهنگی، هنجارها و الگوهای رفتاری مشروعیت خود را از دست می‌دهند، افراد به اعمالی چون درگیری و نزاع دست می‌زنند. طبق افکار هکتر، دورکیم و... شاخص وجود انسجام اجتماعی پذیرش همگانی قوانین، قواعد و هنجارها، پیوند با سازمان‌های اجتماعی و مشارکت در آنها، احساس تعلق و اعتماد و شکل‌گیری منافع ملی مردم‌گرا است؛ بنابراین، در تدوین چارچوب نظری این تحقیق، برای تبیین موضوع از آراء جامعه‌شناختی گر، هکتر، آگنیو و پیتربلا استفاده شده است.

نظر او رواج بی‌اعتمادی در جوامع جهان سوم، وفاداری‌های افراد را به گروه‌هایی محدود می‌کند که آشنا و نزدیک به آنها هستند. مردم این کشورها به کلان‌ها و شاید به قبیله‌های خود وفادارند؛ اما به نهادهای سیاسی گسترده‌تر وفادار نیستند. در جوامعی که از نظر سیاسی پیشرفته هستند، وفاداری به این گروه‌های اجتماعی بی‌میانجی‌تر، در مرحله بعد از وفاداری به دولت قرار می‌گیرد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۰ - ۴۹).

### چارچوب نظری

مطابق مطالب ارائه‌شده در مبانی نظری و تجربی نزاع‌ها و درگیری‌های قومی مانند سایر مسائل اجتماعی معلول علت واحدی نیستند و صاحب‌نظران از زوایای متعددی این مبحث را ارزیابی و درباره آن مباحث متنوعی را بیان کرده‌اند. در این مقاله برای تبیین موضوع نزاع‌های قومی از آن دسته از نظریات جامعه‌شناختی صاحب‌نظران در زمینه‌های محرومیت نسبی،



نمودار ۱- الگوی نظری تحقیق

۲. میانگین نزاع بین قومی برحسب ویژگی‌های فردی تفاوت دارد؛

۳. بین محرومیت نسبی و نزاع بین قومی رابطه وجود دارد؛

در تحقیق حاضر، بر مبنای چارچوب نظری به دنبال پاسخ‌دادن به این فرضیه‌ها هستیم:

۱. میانگین نزاع قومی برحسب دو قوم لک و لر متفاوت است؛

۴. قانون‌گزیزی و نزاع بین‌قومی باهم رابطه دارند؛

۵. بین انسجام اجتماعی و نزاع بین‌قومی رابطه وجود

دارد؛

۶. اختلافات خانوادگی و نزاع بین‌قومی با یکدیگر رابطه

دارند و

۷. بین فرهنگ شهروندی و نزاع بین‌قومی رابطه وجود

دارد.

### روش تحقیق

باتوجه به هدف پژوهش حاضر، یعنی بررسی عوامل مؤثر بر نزاع بین‌قومی لک و لر، از روش پیمایش<sup>۱</sup> استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق‌ساخته بهره گرفته شده است و جامعه آماری کلیه مردان ۲۰-۵۵ ساله شهر خرم‌آباد هستند که تعداد این جمعیت، براساس آمار سال ۱۳۹۰ در حدود ۱۷۳۲۶۴ نفر است (مرکز آمار ایران). حجم نمونه مردان این شهر، با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر برای هردو قومیت محاسبه شده است و چون تعداد این دو قومیت در جامعه آماری مساوی نبودند، میزان ۰/۶۰ به ۰/۴۰ با تعداد ۲۳۱ لک و ۱۵۲ لر در حجم نمونه در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم (pps) استفاده شده است که برای این کار، ابتدا مناطق سه‌گانه شهر خرم‌آباد به صورت سه خوشه اصلی مشخص شده‌اند و در هر مرحله بعد، در هر منطقه از شهرداری تعدادی خیابان اصلی به شکل بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شده و از هر خیابان نیز چندین کوچه به طور تصادفی انتخاب شده است. در نهایت، به تناسب جمعیت ساکن در هر یک از کوچه‌ها برای هرکدام تعدادی پرسش‌نامه در نظر گرفته شده است تا مطابق حجم جمعیت آماری در آن مناطق تکمیل شوند. در اینجا شیوه محاسبه این پرسش‌نامه‌ها آورده شده است:

$$n = \frac{N.t.p.q}{(N.d^2) + (t^2.p.q)} = \frac{173264 \times 1/96 \times 1/96 \times 0/5 \times 0/5}{(173264 \times 0/05 \times 0/05) + (1/96 \times 1/96 \times 0/5 \times 0/5)} \approx 383$$

جدول ۱- دسته‌بندی مناطق برای گردآوری اطلاعات

منطقه	جمعیت کل	جمعیت نمونه
۱	۶۱۳۱۴	۱۳۶
۲	۵۰۴۱۳	۱۱۱
۳	۶۱۵۳۷	۱۳۶

پرسش‌نامه پژوهش اعتبار محتوایی دارد که با تأکید بر ارزیابی اساتید درباره معرف‌ها و گویه‌ها به دست آمده است. گذشته از این، پایایی مقاله نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ حاصل شده است. با استفاده از آزمون مقدماتی (پیش‌آزمون) و با استفاده از نرم افزار spss میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده و این میزان برای متغیرهایی است که به صورت سازه تهیه شده بودند. این اطلاعات در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- ضرایب پایایی متغیرهای (وابسته و مستقل) پژوهش

متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
نزاع بین‌قومی	۲۴	۰/۹۰
محرومیت نسبی	۱۳	۰/۹۴
قانون‌گزیزی	۱۰	۰/۷۵
فرهنگ شهروندی	۳۲	۰/۷۷
انسجام اجتماعی	۳۳	۰/۸۴
اختلافات خانوادگی	۱۰	۰/۷۵

### مفاهیم پژوهش

نزاع، برخورد‌های جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه‌ای است که با عناوین گوناگونی به وجود آمده است و عوامل بی‌ثباتی اجتماعی را فراهم می‌کند (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

متغیر نزاع قومی با ۲۴ گویه پنج‌گزینه‌ای در قالب ۴ بعد رفتاری (۷ گویه) فکری (۶ گویه) احساسی (۶ گویه) و بعد گفتاری (۵ گویه) سنجیده شده است. بعد رفتاری با این ۷

<sup>۱</sup> Survey

ممکن نبودن فعالیت‌های اقتصادی برابر، دسترسی نابرابر به فرصت‌های اجتماعی، امکانات بهداشتی عادلانه و... سنجیده شده‌اند و پژوهشگران قبلاً هم از گویه‌های محرومیت نسبی استفاده کرده‌اند (فره‌مند و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱).

متغیر مستقل قانون‌گریزی به میزان تمایل فرد برای شکستن قوانین رسمی و عرفی جامعه اشاره دارد؛ به نحوی که رفتارهای انجام شده فرد باید طبق قانون تلقی شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰). قانون‌گریزی رفتاری است که در مخالفت با قوانین رسمی جامعه انجام می‌شود و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و عمدتاً قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیرخشن و ضعیف (مالیات‌ندادن و...) را در بر می‌گیرد (فیروزجانیان، ۱۳۸۹: ۳۸۵). این متغیر از ۱۰ گویه پنج‌گزینه‌ای در ابعاد عینی و ذهنی در مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های نادیده‌گرفتن قوانین رانندگی، استفاده از پول و پارتی برای رفع مشکل، صدمه زدن به اموال دولتی، پرداختن رشوه به‌جای جریمه و... ارزیابی شده است. برخی پژوهشگران قبلاً از گویه‌های این متغیر استفاده کرده‌اند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱ و افشانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۷).

متغیر مستقل انسجام اجتماعی به معنای گردآوردن عناصر متشکل گوناگون به صورتی منظم و برای تشکیل هر مجموعه است. انسجام یا همبستگی به معنای داخل شدن افراد در محیطی ملی - فرهنگی و تعلق به چارچوب‌ها، ساخت‌ها و وضعیت اجتماعی آن محیط ملی است (عمومی و ساعی، ۱۳۹۲: ۱۹). این متغیر با ۳۴ گویه پنج‌گزینه‌ای در زمینه این مسائل سنجیده شده است: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق ملی در مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های اعتمادداشتن به دوستان، خویشاوندان، قوانین و برنامه‌های دولتی، مردم کشور و...، شرکت در انتخابات و راهپیمایی‌ها، کارهای عمرانی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و...، تعلق ملی به سرزمین، پرچم، زبان فارسی و موسیقی ایرانی. قبلاً در مطالعه‌ای دیگر

گویه ارزیابی شده است: پنج‌گزینه‌ای در مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های درگیری خانوادگی با قوم مقابل، درگیری با قوم دیگر در صورت ضایع کردن حق و حقوق، درگیر شدن با قوم دیگر هنگام شراکت و معامله، مقابله کردن با قوم دیگر در صورت زورگویی، ترجیح دادن درگیری به جای مراجعه به نیروی انتظامی و... بعد فکری با ۶ گویه پنج‌گزینه‌ای بررسی شده است: مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های رفاقت با دیگر اقوام، طرفداری از قوم خود، ازدواج با غریبه و پذیرش طرز فکر قوم دیگر. بعد احساسی در مقیاس فاصله‌ای با این ۶ گویه پنج‌گزینه‌ای و به کمک چنین شاخص‌هایی سنجیده شده است: افتخارکردن به قوم خود، کینه و کدورت نسبت به اقوام دیگر، احساس دشمنی داشتن، خوشایندبودن رفاقت و همسایگی با اقوام. بعد گفتاری نیز با ۶ گویه پنج‌گزینه‌ای در مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های درگیری لفظی و کلامی، به کار رفتن جوک‌ها و لطیفه‌های قومیتی، تحقیر و مسخره کردن اقوام و بگو مگو داشتن ارزیابی شده است. گویه‌های نزاع بین قومی شامل ابعاد رفتاری، فکری، احساسی و گفتاری می‌شوند و محقق ساخته هستند.

متغیر مستقل محرومیت نسبی وضعیتی است که در آن فرد از داشته‌های خود راضی نیست و دلیل این امر، بیشتربودن انتظارات فرد از خود است. همچنین، مقایسه‌ای که فرد بین زندگی خود و دیگران می‌کند، بر این احساس می‌افزاید (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۶). محرومیت به‌طور ضمنی ناظر بر وضعیتی نابرابر میان اجزای هر جامعه است و در آن برخی از شهروندان نسبت به برخی دیگر از امکانات و امتیازات بیشتری بهره‌مندند؛ به‌طوری‌که اعضای گروه محروم، در مقایسه میان وضعیت خود و وضعیت گروه‌های دیگر، احساسی پیدا می‌کنند که محرومیت‌ناپذیر می‌شود (امام‌جمعه و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹). برای تحقق این مفهوم، ۱۳ گویه پنج‌گزینه‌ای در مقیاس فاصله‌ای در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با شاخص‌های دسترسی نابرابر به خدمات آموزشی و فرهنگی، دستیابی به موقعیت‌های سیاسی،

قبلا در پژوهشی دیگر هم از گویه‌های متغیر فرهنگ شهروندی استفاده کرده‌اند (همتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

### یافته‌های پژوهش

#### توصیف داده‌ها

بیشترین پاسخگویان با ۶۱/۶ درصد در گروه سنی ۲۸-۲۰ و کمترین درصد با ۹/۸ در گروه سنی ۵۵-۴۸ و بعد ۱۱/۶ درصد در گروه سنی ۴۷-۳۸ و ۳۲/۰ درصد در گروه سنی ۳۷-۲۹ سال قرار دارند. همچنین، ۵۸/۶ درصد از کل پاسخگویان شاغل و ۴۱/۴ درصد غیرشاغل هستند. بیشتر پاسخگویان با ۳۱/۶ درصد تحصیلات لیسانس و کمترین آنها با فراوانی ۳/۰ درصد، بیشترین میزان تحصیلات را داشته‌اند. در این میان، تحصیلات ۱۴/۸ درصد آنها هم فوق دیپلم، ۱۳/۲ درصد دیپلم، ۱۰/۸ درصد فوق لیسانس و ۸/۶ درصد سیکل بوده است. بیشترین پاسخگویان با ۵۵/۴ درصد مجرد و کمترین آنها با ۰/۲ درصد، همسرشان فوت شده بوده است و ۲/۲ درصد متأهل و ۲/۲ درصد نیز طلاق گرفته بوده‌اند. بیشتر پاسخگویان با ۴۵/۴ درصد میزان درآمدشان کمتر از ۵۰۰ هزار تومان و کمترین آنها با ۱۰/۰ درصد درآمد بیشتر از ۲ میلیون تومان بوده است. همچنین، ۲۰/۸ درصد میزان درآمدشان ۱ تا ۱/۵ میلیون تومان، ۱۳/۰ درصد ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون تومان و ۱۰/۶ درصد هم درآمدشان بیش از ۵۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون تومان محاسبه شده است. حجم نمونه نیز شامل ۱۵۳ نفر از قوم لر و ۲۳۱ نفر از قوم لک بوده است.

#### نتایج استنباطی

فرضیه ۱. میانگین نزاع قومی بر حسب دو قوم لک و لر متفاوت است.

مطابق نتایج آزمون تی مستقل در جدول (۳) میانگین میزان نزاع قومی قومیت لک بیشتر از قومیت لر است و این تفاوت، با میزان اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. داده‌ها تفاوت معناداری را در ابعاد فکری و گفتاری نشان می‌دهند؛

نیز از گویه‌های انسجام اجتماعی استفاده شده است (فرهمنند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۹۸).

فرد در درون نهاد خانواده و خانواده در جمع بزرگ تری به نام عشیره یا طایفه و قوم هویت می‌یابد که گاه این روح جمعی هویت فردی افراد را کم‌رنگ می‌کند و آنها را با وجود مخالفت میل باطنی‌شان به کارهای غیرعقلانی مجبور می‌کند که این مسئله در نهایت، به اختلافات خانوادگی منتهی می‌شود (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۱). چنانچه نهاد خانواده به دلیل اختلافات و مشکلات اعضای آن، کارکردهای خود را به درستی انجام ندهد، تأثیر منفی آن بر سایر نهادهای اجتماعی کنترل‌شدنی نخواهد بود (زاهدی‌اصل و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۱). این متغیر از ۹ گویه پنج‌گزینه‌ای در مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های تعصب‌های قومی و طایفه‌ای و ارزش‌های جاهلانه، لطمه خوردن حیثیت قومی، ازدواج‌های ناخواسته و اجباری و... بررسی شده است. گویه‌های متغیر اختلافات خانوادگی قبلاً در برخی پژوهش‌ها (افشانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۷ نظری و امینی فسخودی، ۱۳۸۷: ۲۰۳ و میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۴) به کار رفته است.

فرهنگ شهروندی به معنی اصول حاکم بر رفتار شهروند است و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی را در بر می‌گیرد که شامل احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین، تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی است (هاشمیان‌فر و عجمی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی تعریف می‌شود که شیوه زندگی و تشکیل تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و درکل، قابلیت‌های اکتسابی را نشان می‌دهد (شاه‌طالبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۹). این متغیر از ۳۱ گویه پنج‌گزینه‌ای در ابعاد مسئولیت‌پذیری، مدارا، رفتار مدنی، نوع دوستی و عام‌گرایی در مقیاس فاصله‌ای با شاخص‌های عمل به وظایف، پایبندی به قول و قرار، احساس مسئولیت ملی، ترجیح منافع گروهی، ارتباط با اقوام دیگر، حفاظت از درختان و فضای سبز و... ارزیابی شده است.

به طوری که لک‌ها در مقایسه با لرها از لحاظ فکری و گفتاری بیشتر نزاع دارند.

جدول ۳- آزمون تی مستقل متغیر وابسته

متغیرها	قومیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	میزان معناداری
بعد رفتاری	لک	۲۳۱	۱۵/۰۸	۵/۲۶	۰/۷۱۱	۴۹۸	۰/۴۷۸
	لر	۱۵۲	۱۴/۷۳	۵/۶۱			
بعد فکری	لک	۲۳۱	۱۴/۸۲	۴/۳۰	۴۰۵/۳	۴۸۶/۷۵	۰/۰۰۱
	لر	۱۵۲	۱۳/۵۹	۳/۷۲			
بعد احساسی	لک	۲۳۱	۱۶/۲۳	۳/۳۳	۰/۴۶۴	۴۹۸	۰/۶۴۳
	لر	۱۵۲	۱۶/۱۰	۳/۲۱			
بعد گفتاری	لک	۲۳۱	۱۲/۷۷	۳/۹۹	۲/۴۰۵	۴۸۸/۶۵	۰/۰۱۷
	لر	۱۵۲	۱۱/۹۶	۳/۵۰			
نزاع قومی	لک	۲۳۱	۵۹/۲۴	۱۲/۲۶	۳/۰۲۳	۰/۴۴	۰/۰۰۳
	لر	۱۵۲	۵۵/۷۴	۱۲/۱۶			

فرضیه ۲. میانگین نزاع بین قومی برحسب ویژگی فردی (سن) متفاوت است.  
 از بین متغیرهای زمینه‌ای متغیر سن با نزاع قومی به طور معناداری تفاوت داشت. براساس نتایج تحلیل واریانس یک طرفه جدول (۴) گروه‌های سنی مختلف در میزان نزاع قومی با مقدار  $F=(۶/۴۱۶)$  و میزان معناداری (۰/۰۰) به طور معناداری باهم تفاوت دارند. گروه‌های سنی ۲۸-۲۰ و ۳۷-۲۹ به ترتیب بیشترین میانگین را دارند.

جدول ۴- آنالیز واریانس یک طرفه بین گروه‌های سنی و نزاع بین قومی

گروه‌های سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	f	sig
۲۰-۲۸	۱۸۸	۵۸/۸۸	۱۲/۱۲۵	۳۳۴	۶/۴۱۶	۰/۰۰۰
۲۹-۳۷	۱۲۴	۵۸/۰۸	۱۱/۹۰۹			
۳۸-۴۷	۴۳	۵۶/۸۸	۱۱/۸۹۹			
۴۸-۵۵	۲۸	۴۹/۹۰	۱۲/۹۶۳			

جدول ۵- خروجی آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه زوجی میانگین‌ها

I	J	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار	سطح معناداری
۲۹-۳۷	۲۰-۲۸	۰/۷۹۶	۱/۳۱۰	۰/۹۳۰
۳۸-۴۷	۲۰-۲۸	۱/۹۹۵	۱/۸۹۵	۰/۷۱۹
۴۸-۵۵	۲۰-۲۸	۸/۹۷۵	۲/۰۷۲	۰/۰۰۰
۲۰-۲۸	۲۹-۳۷	-۰/۷۹۶	۱/۳۱۰	۰/۹۳۰
۳۸-۴۷	۲۹-۳۷	۱/۱۹۹	۱/۹۶۸	۰/۹۲۹
۴۸-۵۵	۲۹-۳۷	۸/۱۷۹	۲/۱۳۸	۰/۰۰۱
۲۰-۲۸	۲۹-۳۷	-۱/۹۹۵	۱/۸۹۵	۰/۷۱۹
۳۸-۴۷	۲۹-۳۷	-۱/۱۹۹	۱/۹۶۸	۰/۹۲۹
۴۸-۵۵	۲۹-۳۷	-۱/۱۹۹	۱/۹۶۸	۰/۹۲۹
۲۰-۲۸	۳۸-۴۷	۶/۹۸۰	۲/۵۴۰	۰/۰۳۲
۲۰-۲۸	۴۸-۵۵	-۸/۹۷۵	۲/۰۷۲	۰/۰۰۰
۲۹-۳۷	۴۸-۵۵	-۸/۱۷۹	۲/۱۳۸	۰/۰۰۱
۳۸-۴۷	۴۸-۵۵	-۶/۹۸۰	۲/۵۴۰	۰/۰۳۲

طبق اطلاعات این جدول، اختلاف میانگین گروه سنی

۲۰-۲۸ و گروه سنی ۴۸-۵۵، ۸/۹۷۵ شده است؛ یعنی گروه سنی ۲۸-۲۰، ۸/۹ بیشتر از گروه سنی ۴۸-۵۵ نزاع قومی دارند و اختلاف میانگین این دو گروه سنی معنادار بوده است

فرضیه ۳-۴-۵- بین متغیرهای مستقل محرومیت نسبی، قانون‌گریزی، انسجام اجتماعی و نزاع بین قومی رابطه وجود دارد.

مطابق اطلاعات جدول (۶) بین دو متغیر نزاع قومی با محرومیت نسبی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد و این رابطه، در دو بعد فکری و گفتاری تأیید می‌شود. همچنین، روابط نزاع بین قومی با محرومیت در تمامی ابعاد نیز تأیید نمی‌شود. براساس داده‌های جدول، نزاع قومی با قانون‌گریزی به‌طور معنادار و مثبتی رابطه دارد؛ یعنی با افزایش

قانون‌گریزی نزاع‌های بین قومی نیز افزایش می‌یابد. بیشترین رابطه قانون‌گریزی در بعد گفتاری و کمترین رابطه در بعد رفتاری مشاهده می‌شود. از دیگر نتایج جدول، رابطه معنادار و منفی دو متغیر نزاع قومی و انسجام اجتماعی است. بعد فکری با انسجام اجتماعی بیشترین رابطه معنادار و منفی و بعد گفتاری با آن، کمترین رابطه منفی را دارد. گذشته‌آزآن، طبق اطلاعات جدول، از بین سه متغیر موجود، متغیر قانون‌گریزی بیشترین رابطه مثبت و متغیر محرومیت، کمترین رابطه منفی را با نزاع بین قومی دارد.

جدول ۶- ضریب همبستگی متغیرهای مستقل (محرومیت نسبی، قانون‌گریزی، انسجام اجتماعی) و نزاع بین قومی

متغیر	قومیت	رفتاری	فکری	احساسی	گفتاری	نزاع قومی
محرومیت نسبی	لک	۰/۰۶۸	۰/۱۹۹**	۰/۱۷۶**	۰/۱۹۸**	۰/۱۵۹*
	لر	۰/۰۱۹	۰/۱۲۶*	۰/۰۲۱	۰/۰۱۸	۰/۰۱۱
	کل	۰/۰۶۲	۰/۱۹۹**	۰/۱۰۲*	۰/۱۲۹*	۰/۱۱۷*
قانون‌گریزی	لک	۰/۱۹۳**	۰/۳۶۰**	۰/۳۸۰**	۰/۴۶۷**	۰/۴۷۴**
	لر	۰/۳۰۲**	۰/۳۲۹**	۰/۳۳۹**	۰/۳۲۴**	۰/۳۷۵**
	کل	۰/۲۱۷**	۰/۳۵۷**	۰/۳۵۶**	۰/۴۰۳**	۰/۴۴۱**
انسجام اجتماعی	لک	-۰/۲۴۷**	-۰/۳۴۰**	-۰/۲۸۲**	-۰/۲۱۷**	-۰/۳۴۶**
	لر	-۰/۲۲۷**	-۰/۲۲۴**	-۰/۳۲۸**	-۰/۰۱۹	-۰/۲۰۲**
	کل	-۰/۲۲۴**	-۰/۲۹۱**	-۰/۲۸۱**	-۰/۱۲۳**	-۰/۲۷۳**

\*\*P<۰/۰۵ \*P<۰/۰۱

فرضیه ۶-۷- بین متغیرهای مستقل اختلافات خانوادگی و فرهنگ شهروندی و متغیر وابسته نزاع بین قومی رابطه وجود دارد.

براساس داده‌های جدول (۷) نزاع قومی با اختلافات خانوادگی به‌طور معنادار و مثبتی رابطه دارد که این همبستگی در لرها در

مقایسه با لک‌ها بیشتر است. بین ابعاد رفتاری، فکری و احساسی نزاع با اختلافات خانوادگی کل نیز رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین، طبق اطلاعات جدول، بین نزاع قومی و فرهنگ شهروندی رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد و بیشترین همبستگی در بعد احساسی مشاهده می‌شود.

جدول ۷- ضریب همبستگی نزاع قومی با اختلافات خانوادگی و فرهنگ شهروندی

متغیر	قومیت	رفتاری	فکری	احساسی	گفتاری	نزاع قومی
اختلافات خانوادگی	لک	۰/۳۳۶**	۰/۳۰۲**	۰/۲۱۸**	۰/۴۸۵**	۰/۴۷۳**
	لر	۰/۴۳۸**	۰/۳۸۷**	۰/۳۳۸**	۰/۴۸۲**	۰/۵۵۵**
	کل	۰/۳۸۹**	۰/۳۴۰**	۰/۲۷۷**	۰/۴۸۲**	۰/۵۱۲**
فرهنگ شهروندی کل	لک	-۰/۲۹۱**	-۰/۳۸۱**	-۰/۴۲۴**	-۰/۳۵۱**	-۰/۴۹۸**
	لر	-۰/۳۷۷**	-۰/۳۷۹**	-۰/۴۷۵**	-۰/۳۲۳**	-۰/۵۱۰**
	کل	-۰/۳۳۵**	-۰/۳۷۴**	-۰/۴۴۹**	-۰/۳۳۴**	-۰/۴۹۸**

\*\*P<۰/۰۵ \*P<۰/۰۱

## تحلیل روابط چندمتغیره نزاع قومی

از تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای بیان و شناسایی دقیق‌تر داده‌های پژوهش استفاده شده است که این میزان تحلیل، امکان ارتباط هم‌زمان متغیرهای چندگانه با متغیر وابسته را فراهم می‌کند؛ بنابراین، مهم‌ترین متغیرها نیز برحسب میزان همبستگی و قدرت تبیین مشخص می‌شوند. برای تحلیل این بخش، از آزمون رگرسیون چندمتغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. میزان دو آماره تولرانس و عامل تورم واریانس در جدول (۸) نشان می‌دهد اطلاعات مرتبط به متغیرها در وضعیت مطلوب بوده است و داده‌ها استقلال نسبی دارند و رگرسیون برای پیش‌بینی مناسب است. مقدار آماره  $d$  دوربین واتسون (۲/۰۲۴) نیز در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و فرضیه استقلال خطاها تأیید می‌شود؛ بنابراین،

امکان استفاده از رگرسیون وجود دارد. براساس نتایج جدول، از مجموع متغیرهای واردشده در معادله رگرسیون، ۴ متغیر پیش‌بین به‌طور معناداری بر متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند. از بین متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیون، به ترتیب متغیرهای فرهنگ شهروندی ( $B = -0.316$ ) اختلافات خانوادگی ( $B = 0.358$ ) محرومیت نسبی ( $B = 0.161$ ) و قانون‌گریزی ( $B = 1.50$ ) در مجموع، بر مسئله نزاع بیشترین تأثیر را داشته‌اند و بر نزاع قومی هم به‌طور مستقیم تأثیر می‌گذارند. واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل ۰/۳۹۸ درصد از واریانس نزاع بین‌قومی را توضیح می‌دهد و مابقی تغییرات متغیر وابسته، احتمالاً به دلیل در نظر نگرفتن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند.

جدول ۸- رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر نزاع بین‌قومی

دوربین واتسن	آماره‌های هم‌خطی		سطح معناداری	آزمون $t$	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
	عامل تورم واریانس	تولرانس				B	خطای معیار	
			۰/۰۰۰	۸/۶۹۰		۷/۳۷۳	۶۴/۰۷۰	مقدار ثابت
	۱/۵۱۱	۰/۶۶۲	۰/۰۰۰	-۶/۰۲۰	-۰/۳۱۶	۰/۰۴۰	-۰/۲۴۱	فرهنگ شهروندی
	۱/۱۱۸	۰/۸۹۴	۰/۰۰۰	۷/۹۲۷	۰/۳۵۸	۰/۱۰۹	۰/۸۶۱	اختلافات خانوادگی
۲/۰۲۴	۱/۰۷۶	۰/۹۳۰	۰/۰۰۰	۳/۶۳۲	۰/۱۶۱	۰/۰۴۷	۰/۱۶۹	محرومیت نسبی
	۱/۵۷۳	۰/۶۳۶	۰/۰۰۵	۲/۸۰۱	۰/۱۵۰	۰/۰۹۶	۰/۲۶۹	قانون‌گریزی
	sig = ۰/۰۰۰	F = ۵۴/۵۰۳		ضریب همبستگی چندگانه = ۰/۶۳۱		ضریب تعیین = ۰/۳۹۸	ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۹۱	

## نتیجه

یکی از موضوعات مهم علم جامعه‌شناسی نزاع قومی است. توصیف نزاع‌های قومی و تبیین علل و عوامل مؤثر بر کم و کیف آنها به دلیل علمی و اجتماعی ضروری و مهم است؛ به این ترتیب، در پژوهش حاضر بر آن بوده‌ایم به این سئوالات پاسخ دهیم: ۱- میانگین نزاع قومی در دو قومیت لک و لر چگونه است؟ ۲- چه عواملی در کاهش و افزایش نزاع قومی

تأثیرگذار هستند؟ و ۳- نقش برخی مؤلفه‌های اجتماعی فرهنگی در آن چگونه است؟ برای این کار از ابعاد نظری گر، هکتر، آگنیو و پیتر بلا استفاده کرده‌ایم. پژوهش با ۳۸۳ نمونه از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب با حجم در مناطق مختلف شهر خرم‌آباد انجام شده است.

طبق یافته‌های این مقاله، نزاع قومی در میان لک‌ها با



جامعه و دسترسی به وسایل حصول به آن به کار می‌برد. قانون‌گریزی به افزایش نزاع و درگیری قومی می‌انجامد؛ زیرا در چنین وضعیتی فرد در برابر قواعد و سنجه‌های اجتماعی رفتار، سرگردان و سرگشته می‌شود و باتوجه به این آشفتگی توانایی پیروی از هنجارها و قواعد اجتماعی را از دست می‌دهد و به همین دلیل، امکان‌گرایی به نزاع در او افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های مطالعه واحدی و همکاران (۱۳۹۲) ناهمسو است.

همچنین، نتایج پژوهش مؤید آن است که بین محرومیت نسبی و نزاع قومی رابطه معنادار وجود دارد. از دیدگاه بلا پاداش‌های متقابلی که بلافاصله پس از نخستین پیوندهای انسان‌ها برای اعضای گروه به ارمغان می‌آیند، به ننگ داشتن و تقویت این روابط منجر می‌شوند. خلاف این وضعیت نیز امکان‌پذیر است؛ یعنی با پاداش‌های ناکافی رشته همبستگی گروهی سست یا از هم گسیخته می‌شود. باتوجه به نظریه محرومیت نسبی رابرت گر، هنگامی که گروه‌های قومی احساس می‌کنند کمتر از حق خود پاداش دریافت می‌کنند، مناقشات قومی افزایش می‌یابد و این گروه‌ها برای تسکین سرخوردگی ناشی از احساس محرومیت نسبی ممکن است به خشونت‌هایی از جمله نزاع بین‌قومی روی بیاورند. براساس نظریه جودت و پیتر بلاو نیز در جامعه‌ای که احساس نابرابری وجود دارد و به‌وسیله ابزارهای قانونی موقعیت‌های پیشرفت افراد گرفته می‌شود، افراد احساس می‌کنند به جامعه بی‌اعتماد شده‌اند. این دسته از احساسات به بی‌کفایتی مربوط هستند و ناکامی مستمر ناشی از آنها به ایجاد پرخاشگری و خصومت سرکوب‌شده و درنهایت، به جرم و خشونت‌هایی از قبیل درگیری و نزاع قومی منجر می‌شود. این نتایج با یافته‌های واحدی و همکاران (۱۳۹۲) و میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) همسو است.

از دیگر یافته‌های این پژوهش، وجود رابطه معنادار و مثبت بین اختلافات خانوادگی با نزاع قومی است. ارزش‌ها و نظرات‌های قومی تا حدود زیادی فرد را کنترل می‌کنند و افراد

میانگین ۲۴/۵۹ درصد بیشتر از نزاع لرها با میانگین ۷۴/۵۵ درصد است. در ابعاد فکری و گفتاری نزاع، تفاوت معناداری بین دو قوم لک و لر مشاهده شده است و لک‌ها در مقایسه با لرها در این زمینه میانگین بیشتری داشته‌اند؛ بنابراین، این دو قوم، در ابعاد فکری و گفتاری بیشترین خاص‌گرایی درون‌قومی و کمترین وفاق و یگانگی بین‌قومی را از خود بروز داده‌اند. این نتیجه، با یافته‌های میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) همسو است و شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی را زمینه‌ساز بروز درگیری‌ها می‌داند.

مطابق اطلاعات تحقیق، بین نزاع قومی و سن تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که نزاع قومی با افزایش سن کاهش و با کاهش سن افزایش می‌یابد. ترکیب سنی شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد بیشترین سهم از مشارکت در نزاع مربوط به افراد جوان است که در مقایسه با افراد بزرگ‌تر، در رفتارهایشان کمتر به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی رجوع می‌کنند. در کنار شور و احساس جوانی پیروی نکردن از ارزش‌ها و هنجارهای رسمی و غیررسمی در این ترکیب تأثیرگذار است. باید گفت که افزایش سن، پختگی افراد و گرفتاری آنها برای تأمین امور معیشتی فرزندان و خانواده، در زندگی آنها مشغله ذهنی ایجاد کرده است و مردم دیگر کمتر به نزاع و درگیری گرایش دارند؛ اما افراد جوان به دلیل روحیات جوانی از جمله احساسی و هیجانی بودن و همچنین، مشکلات کمتر در زندگی بیشتر به نزاع گرایش دارند. این نتایج با یافته‌های افشانی و همکاران (۱۳۹۴) و واحدی و همکاران (۱۳۹۲) همسو و با نتایج پژوهش حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) ناهمسو است.

طبق داده‌های پژوهش، بین نزاع قومی و قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد؛ به طوری که میانگین قانون‌گریزی قوم لک بیشتر از قوم لر است. در اندیشه مرتن، نزاع نیز مانند همه صور و اشکال انحرافات و کج رفتاری‌ها زائیده ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. او مفهوم بی‌هنجاری را برای نشان دادن اختلاف بین هدف تأییدشده

باید خود را با فرهنگ و ارزش‌های جامعه محلی خویش تطبیق دهند و نسبت به پاسداشت جامعه خویش از هیچ کاری فروگذار نباشند؛ بنابراین، گاه این روح جمعی، هویت فردی افراد را کم‌رنگ می‌کند و آنها را با وجود بی‌میلی باطنی شان، به کارهای غیرعقلانی وا می‌دارد. به باور دورکیم، روح جمعی اصالت دارد نه فردیت. فعالیت افراد، خصوصاً در مواقعی که مشکل جمعی بروز کند، معلول خواست‌ها، نیازها و تصمیمات عقلانی مشخص نیست؛ بلکه وجدان جمعی و روح همبستگی است که فرد را به دنبال فردی دیگر می‌کشد. این فرایند وقتی تشدید می‌شود که محرک یا موضوع عمل، بار احساسی و عاطفی بیشتری داشته باشد. این نتایج با یافته‌های واحدی و همکاران (۱۳۹۲) و میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) همسو است.

بین فرهنگ شهروندی و نزاع قومی رابطه‌ای معنادار و منفی مشاهده شده است. طرح نظری شهروند و بری، دورکیمی و پارسونزی، با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن، بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی و مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه تأکید دارد. در فرهنگ شهروندی با طرح تقاضای رفتار یکسان با همه افراد، ریشه تنش‌های اجتماعی تهدیدکننده نظم و وفاق اجتماعی خشکانده می‌شود؛ به این ترتیب، در فرهنگ شهروندی شهروند به کمک مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و تعهداتش، از راه تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی راهی را برای توزیع عادلانه منابع ارائه می‌کند. هر قدر شهروندان نسبت به وظایف و حقوق خود شناخت و آگاهی داشته باشند و به آن عمل کنند، این موضوع به هم‌گرایی و انسجام بیشتر جامعه منتهی و از نزاع‌های احتمالی به دلیل رعایت نکردن اصول فرهنگ شهروندی کاسته می‌شود.

بر مبنای اطلاعات مقاله، رابطه انسجام اجتماعی و نزاع قومی تأیید شده است. از نظر دورکیم، هر جا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد، این مسئله عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به یکدیگر خواهد بود و این امر، به تشدید

تماس‌های آنان و گسترش فرصت‌های ارتباط اجتماعی آنان با یکدیگر منجر خواهد شد. همبستگی اجتماعی وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تعیین می‌کند و هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد، افراد را به هم متمایل تر می‌کند و بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید. برعکس، هر چه میزان همبستگی کمتر باشد، تنوع روابط و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد؛ بنابراین، اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن هم‌نوایی بیشتری با ارزش‌های جامعه خواهند داشت و اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی ضعیف باشد، ممکن است مردم به رفتار مجرمانه کشیده شوند. روابط و پیوندهای خویشاوندی در هر جامعه، نشان‌دهنده قوت همبستگی‌های اجتماعی است و باعث می‌شود میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه کنترل شود. انسجام اجتماعی مانند زنجیره‌ای به هم پیوسته یا به شکل رکنی از سرمایه اجتماعی افراد را به صورت جمعی در کنار هم نگه می‌دارد و در مقابل بحران و آسیب‌های اجتماعی مانند پيله حفاظتی عمل می‌کند و در صورت وجود اختلافات، به کاهش میزان تنش و درگیری منجر می‌شود. این نتایج، با یافته‌های میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) ناهمسو است.

نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد از بین متغیرهای باقی مانده در مدل رگرسیون، به ترتیب متغیرهای فرهنگ شهروندی ( $B = -0.316$ ) اختلافات خانوادگی ( $B = 0.358$ ) محرومیت نسبی ( $B = 0.161$ ) و قانون‌گریزی ( $B = 150$ ) در مجموع، بر نزاع بیشترین تأثیر را داشته‌اند و به طور مستقیم بر نزاع قومی نیز تأثیر می‌گذارند. واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل ۰/۳۹۸ درصد از واریانس نزاع بین‌قومی را توضیح می‌دهد.

سرانجام، این راه‌کارها برای متغیرهای تحقیق پیشنهاد می‌شود:

باتوجه به اینکه گروه‌های سنی جوان نسبت به گروه‌های سنی دیگر، بیشتر در نزاع و درگیری‌های قومی شرکت می‌کنند، توسعه نهادهای فرهنگی مخصوصاً مانند سینما، پارک‌های

«نقد و بررسی تحلیلی نظریه کردبودن لرها»، پژوهش‌های تاریخی، د ۳، ش ۳، ص ۱۴-۱.

امام‌جمعه، ج؛ رهبرقاضی، م ر؛ عیسی‌نژاد، ا. و مرندی، ز. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، س ۸، ش (۱۵) ۱، ص ۳۷-۶۸.

بابایی، م. (۱۳۹۰). بررسی محرومیت از حقوق شهروندی با احساس شهروندی قومیت‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (س).

پورافکاری، ن ا. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات علامه طباطبایی، ص ۵۳-۶۸.

پورامرابی، ا. (۱۳۸۲). بررسی بوم‌شناختی فرهنگ عامه قوم لک (شهرستان کوه‌دشت)، پایان‌نامه کارشناسی رشته مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.

توسلی، غ. ع. و قلی‌پور، س. (۱۳۸۶). «جهانی شدن و هویت فرهنگی قوم لک»، مجله جامعه‌شناسی ایران، د ۸، ش ۳، ص ۱۰۴-۸۱.

حسین‌زاده، ع. ح؛ نواح، ع. و عنبری، ع. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز)»، فصلنامه دانش انتظامی، س ۱۳، ش ۲، ص ۱۹۱-۲۲۵.

حیدری، آ؛ رضادوست، ک. و فروتن کیا، ش. (۱۳۹۱). «نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی (مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، مسائل اجتماعی ایران، س ۳، ش ۲، ص ۳۹-۵۹.

دلوند، ح ر. (۱۳۸۱). «تاریخ‌نگاران لرستان و مقوله هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، س ۴، ش ۱۴، ص ۱۷۰-۱۵۱.

علمی - تفریحی، کتابخانه و فرهنگ‌سرا در سراسر مناطق استان و افزایش حضور جوانان در فعالیت‌های هنری، ورزشی و... برای سوق‌دادن پتانسیل آنها به طرف فعالیت‌های مفید علمی، هنری و ورزشی ضرورت دارد.

تقویت روح همبستگی ملی و قومی، به‌جای تعصبات خانوادگی و فامیلی از طریق تولید برنامه‌های نمایشی و رادیویی صداوسیما و آموزش و پرورش.

مسئولان و اولیای امور حوزه‌های مختلف، امکانات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... را در جامعه به طور عادلانه توزیع کنند تا حس ضایع شدن حقوق در بین اقوام از بین برود؛ زیرا آنها برای رسیدن به اهداف خود، به خشونت و نزاع متوسل می‌شوند.

با گسترش شهروندگرایی از طریق مشارکت‌های مدنی در حوزه عمومی به تدریج اعتماد عمومی در جامعه افزایش می‌یابد و جامعه‌گرایی را در میان اقوام خواهیم دید و از این طریق، حتی کنترل غیررسمی نیز در جامعه افزایش خواهد یافت.

دستگاه‌های اجرایی مختلف همانند نیروهای انتظامی، آموزش و پرورش، صداوسیما و مطبوعات استانی و شهرستانی برای تقویت انسجام اجتماعی هرچه بیشتر اقوام در ابعاد مختلف اجتماعی باید به صورت مضاعف تلاش کنند تا این واقعیت را در اذهان مردم جامعه به وجود بیاورند که سرنوشت اقوام با سرنوشت جامعه عجین است. آنها با این کار باید قومیت‌ها را به همکاری و همیاری با یکدیگر دعوت کنند؛ زیرا با افزایش این گونه پیوندها افزایش انسجام اجتماعی و کاهش نزاع را در جامعه مشاهده خواهیم کرد.

## منابع

افشانی، ع ر؛ نوایی، س. و دل‌بازی‌اصل، م. (۱۳۹۴). «بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، س ۴، ش (۹) ۱، ص ۷۹-۹۴.

الهیاری، ف؛ فروغی‌ابری، ا. و عبداللهی‌نوروزی، ع ا. (۱۳۹۰).

صالحی، ر. (۱۳۸۶). «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی و الزامات مدیریت تنوع»، نشریه انسجام ملی و همبستگی ملی، پژوهش ش ۸، ص ۵۱-۱۳.

فیروزجانیان، ع. ا. (۱۳۸۹). «قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت روی‌های)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۱۱، ش ۴۲، ص ۴۱۰-۳۸۱.

عموی، ح. و ساعی، ا. (۱۳۹۲). «تأثیر توسعه سرمایه اجتماعی بر ارتقاء انسجام اجتماعی و ملی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، س ۹، ش ۲۴، ص ۳۸-۷.

فرهمند، م.؛ سهندی خلیفه‌کندی، م. و سعیدی‌مدنی، م. (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی در بین دو قومیت آذری و کرد در شهرهای سنندج و تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد».

قربانی، ا.س. و فیض‌آبادی، ح. (۱۳۹۲). «واکاوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، س ۱، ش ۳، ص ۱۲۰-۹۲.

قلی‌زاده، ا. (۱۳۹۰). «رابطه هویت قومی با محرومیت نسبی در جمعیت بلوچ شهر زاهدان»، پژوهش‌های دانش زمین، س ۲، ش ۵، ص ۱۴-۱.

کریم‌زاده، ع.؛ علوی، ف. و احمدی‌راد، ع. (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، س ۷، ش ۲۰، ص ۸۰-۵۳.

کوثری، م. (۱۳۸۲). «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر»، کمیته مبارزه با مواد مخدر، اعتیاد پژوهی، د ۲، ش ۵، ص ۳۲-۲.

کوهن، ا. ا. (۱۳۸۰). «تئوری‌های انقلاب، ترجمه: علیرضا

رضایی کلواری، ن. ا. و بحرینی، م. (۱۳۸۹). «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲۲، ص ۱۶۲-۱۳۷.

رضایی‌میبدی، ا. (۱۳۸۲). «نگرشی بر علل وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی در استان چهارمحال و بختیاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی. زاهدی‌اصل، م. و حسینی، م. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان اختلاف خانوادگی در بوشهر»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۳۲، ص ۱۱-۱.

سجادیان، ن.؛ نعمتی، م.؛ شجاعیان، ع. و اورکی، پ. (۱۳۹۱). «ارزیابی نقش طایفه‌گرایی در احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ایذه)»، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی، د ۲۴، ص ۵۹-۴.

شریعتی، م.؛ مهاجری، م. ک. و ملکی، ا. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، س ۴، ش ۲، ص ۱۱۸-۹۵.

شاه‌طالبی، ب.؛ قلی‌زاده، آ. و شریفی، س. (۱۳۸۹). «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، س ۱، ش ۳، ص ۸۹-۵۷.

صالحی امیری، ر. (۱۳۸۸ الف). «مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام (مرکز تحقیقات استراتژیک)».

صالحی امیری، ر. (۱۳۸۸ ب). «انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک».

- طیب، تهران: نشر قومس.
- گل محمدی، ا. (۱۳۹۲). *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران*: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان لرستان*، تهران: مرکز آمار ایران.
- مصطفی‌نژاد، ح. (۱۳۸۹). *مدیریت بحران‌های قومی با رویکرد انتظامی*، تهران: انتشارات زرد.
- میر فردی، ا.؛ احمدی، س. و صادق‌نیا، آ. (۱۳۸۹). «میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۱۷۷-۱۴۷.
- میرفردی، ا. و صادق‌نیا، آ. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، س ۴، ش ۲، ص ۷۳-۴۱.
- میرفردی، ا.؛ مختاری، م.؛ فرجی، ف. و دانش‌پذیر، ه. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه شهر یاسوج)»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، س ۴، ش (۱۰) ۲، ص ۲۰-۱.
- نظری، ج. (۱۳۸۶). *تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در استان ایلام*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- نظری، ج. و امینی فسخودی، ع. (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، د ۲۷، ش (۵۴) ۱، ص ۲۱۰-۱۸۷.
- نیکدل، ف. و پیراسته‌مطلق، ع. ا. (۱۳۹۴). «خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، س ۴، ش (۹) ۱، ص ۱۱۷-۱۳۰.
- هاشمیان فر، ع. و عجمی، ش. (۱۳۹۱). «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان»، *فصلنامه مطالعات شهری*، س ۲، ش ۳، ص ۲۳۰-۲۰۹.
- هانتینگتون، س. (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- همتی، ر. و احمدی، و. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن (مورد مطالعه شهر ایوان)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۱۸۲-۱۳۹.
- واحدی، ن.؛ بهستانی، ر. و حسن‌زاده، م. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان مطالعه موردی شهر خوی»، *فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی*، س ۶، ش ۲۱، ص ۷۴-۴۷.
- ولد، ج. (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه: علی شجاعی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- Bilali, R. Çelik, A. B. & Ok, E. (2014) "Psychological Asymmetry in Minority-Majority Relations at Different Stages of Ethnic Conflict". *International Journal of Intercultural Relations*, 43: 253-264.
- Buzan, B. (1988) *Security: A New Framwork for Analysis*, Lynne Rynne Rienner Publication, 20-21.
- Gattino, S. & Tartaglia, S. (2015) "The Effect of Television Viewing on Ethnic Prejudice against A Study in the Italian Context". *International Journal of Intercultural Relations*, 44: 46-52.
- Ji, F. Y. (2014) "Talking Past Each Other: Chinese and Western Discourses on Ethnic Conflict". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 155: 434-441.
- Qin, J. Yi, Y. Wu, H. Liu, Y. Tong, X. & Zheng, B. (2014) "Some Results on Ethnic Conflicts Based on Evolutionary Game Simulation". *Physica A: Statistical Mechanics and Its*

- Applications*, 406: 203-213.
- Weidmann, N. B. (2015) "Communication Networks and the Transnational Spread of Ethnic Conflict", *Journal of Peace Research*, 52(3): 285-296.
- Mitra, A. Ray, D. (2014) "Implications of an Economic Theory of Conflict: Hindu-Muslim Violence in Indi". *Journal of Political Economy*, 122(4): 719-765.